

کوشش های اولیه برای تشکیل اتحادیه های کارگری در ایران

کوشش های اولیه برای تشکیل اتحادیه ها در ایران، از سال ۱۹۰۶، یعنی از مرحله ی انقلاب اول، آغاز شد. در آن موقع کارگران چاپ خانه های تهران، که زیر نفوذ شدید دموکرات ها قرار داشتند، اتحادیه های خود را تشکیل دادند. ولی بعداً موقعی که ارتجاع تسلط یافت - و هنگامی که حزب دموکرات تغییر ماهیت داد و پیشوایانش پس از رسیدن به پست های وزرات، مدافع جدی تاج و تخت شاه شدند- این اتحادیه بدون این که به موفقیت چشم گیری به رسد، منحل شد. این وضع تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت. سالی که قحطی بی سابقه، تقریباً سراسر نواحی شمال ایران را فرا گرفته بود و صدها و هزاران نفر از گرسنگی تلف می شدند و گرانی دایم التزاید خواربار، توده های وسیع کارگران و زحمت کشان را به مرگ از گرسنگی تهدید می کرد. این بار نیز کارگران چاپ خانه های تهران پیش قدم شدند و اتحادیه های صنفی خود را تشکیل دادند. آنان بعد از چند اعتصاب، دولت را وادار ساختند که لایحه ی قرارداد دسته جمعی را که توسط خود آن ها تنظیم شده بود و روابط متقابل کارگران و کارفرمایان را معین می کرد، تصدیق

نماید. ضمناً تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشیدند. در این قرارداد، هشت ساعت کار روزانه، سیستم پرداخت اضافه کاری، بهبود شرایط بهداشتی در متبعه ها و غیره مقرر شد. این موفقیت نسبتاً بزرگ کارگران چاپ خانه ها، روحیه ی کارگران دیگر رشته ها را فوق العاده بالا برد، به طوری که آن ها نیز به تدریج دست به تشکیل اتحادیه های خود زدند.

تا اول ژانویه ی سال ۱۹۲۳، وضع اتحادیه های صنفی تهران به شرح زیر بود:

۱- اتحادیه ی کارگران چاپ خانه ها	۱۸۰ نفر	تلگراف چیان تهران	۲۰۰ نفر
۲- اتحادیه ی یزازها	۳۵۰ نفر	تلگراف چیان تمام ایران	۲۰۰۰ نفر
۳- اتحادیه ی ناتواها	۳۰۰ نفر	کفاشان	۳۰۰ نفر
۴- اتحادیه ی کارمندان تجارت خانه ها	۲۵۰ نفر	خیاطان	۲۰۰۰ نفر
۵- اتحادیه ی نامه رسانان	۹۰ نفر	یراق بافان	۱۵۰ نفر

در سال ۱۹۲۰ برای رهبری عمومی و امور تعلیماتی و هم چنین برای تشکیل اتحادیه های تازه، شورای اتحادیه های تهران تشکیل شد که در آن از هر اتحادیه سه نفر نماینده ی منتخب شرکت دارند. بدین ترتیب در اوایل سال ۱۹۲۲، تمام اتحادیه های مذکور با قریب ۱۰ هزار عضو که ۲۰ درصد تعداد کل کارگران تهران را تشکیل می دهند، به شورای اتحادیه ها ملحق شدند.

به زودی شهرهای ایالات نیز از تهران سرمشق گرفتند و در این شهرها به استثنای تبریز، اتحادیه هایی تشکیل شد. اکنون در ایران مجموعاً حدود ۲۰ هزار نفر کارگر و کارمند عضو اتحادیه های صنفی هستند. اتحادیه های ایران با این که تازه تشکیل شده اند، طی شش ماهه ی آخر سال ۱۹۲۱ به چند

اعتصاب موفقیت آمیز دست زدند. بدین ترتیب، اتحادیه های صنفی رفته رفته نقش چشم گیری در صحنه ی سیاسی ایران بازی می کنند. اتحادیه ها یک دفتر مرکزی نیز دارند، که در نوامبر ۱۹۲۲ تأسیس شده و جزء اتحادیه های سرخ انترناسیونال مسکو می باشد.

برای ترسیم دورنمای آتی جنبش کارگری در ایران و نشان دادن آن رشته های تولیدی ای که کارگرنشان به عضویت اتحادیه ها در می آیند، جدول زیر را می آوریم. البته در این جدول فقط کارگاه ها و مؤسسات تبریز و تعداد کارگران آن ها در اوایل سال ۱۹۲۲ نشان داده شده، ولی نمونه ی مشخصی برای سایر شهرهای ایران نیز هست.

تعداد کارگران	تعداد کارگاه یا مؤسسه	نوع تولید
۲۶۲۵	۱۷۵	فرش بافی
۱۵۰	۱	نخ ریزی
۲۰۰	۲	بافتندگی (فاستونی)
۱۰۰	۱۰	بافتندگی (عبا)
۱۰۰	۲۰	بافتندگی (Ulep)
۱۸۰	۳۰	بافتندگی (شال)
۵۰	۱۰	ظروف پینی بدلی
۱۲۰	۸	چاپ خانه
۳۵	۷	باسمه
۳۰۰	۳۰	دخانیات
۵۰	۵	پاپیروس سازی
۵۰	۵	آجر پزی
۳۰	۳	باروت سازی

۱۰۰	۲۰	دوشاب
۲۰۰	۴۰	رنگرزی
۶۰	۱۰	صابون پزی
۵۰	۵۰	آهن گذاری و گچ پزی
۴۴۰۰	۴۳۶	

به این فهرست باید کارگاه های زیر را افزود:

۴۶۸۰	۱۰۹۰	کارگاه های کوچک صنعت گری نظیر آهن گری، ریخته گری، چلن گری، جوراب بافی، نانوائی و غیره
۱۹۴۲	۴۷۰	سایر کارگاه های پیشه وری: دباغی و سرآجی، سلمانی و مواد غذایی
۳۸۶۵	۱۸۶۵	مؤسسات بازرگانی و بنگاه های معاملاتی
	۵۵۲۵	تعداد مفتی ها، سقاها، سنگ تراش ها، باربرها و غیره
	۵۳۰	در ادارات و مؤسسات دولتی
	۲۰۰۰	کارگران سایر حرفه، دلال ها، اربابه چی ها، باغبان ها و غیره

بدین ترتیب، تعداد افراد مزدبگیر در تبریز برابر با ۲۲۹۴۲ نفر است و اگر خدمت کاران منازل و بیکاران را که تعدادشان در ایام اخیر به علت بحران اقتصادی افزایش یافته، بر این رقم علاوه کنیم، آن وقت رقم کل به حدود ۳۰ هزار نفر خواهد رسید.

تبریز از بسیاری لحاظ یک نمونه ی کامل برای سایر شهرهای بزرگ ایران، مثلاً اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، تا حدی رشت، مشهد، قزوین و غیره به

شمار می رود. اما درباره ی تهران باید خاطر نشان کرد، که طبق آخرین آمار در این جا تعداد مزدبگیر ۵۰ هزار نفر است.

بهره کشی و استثمار در این کارگاه ها و مؤسسات واقعاً وحشت ناک است. تقریباً هیچ قانونی درباره ی مدت کار روزانه وجود ندارد و به همین سبب، هر کارفرمایی هر طور دلش خواست با کارگران رفتار می کند. به خصوص صاحبان کارگاه های کوچک بیداد می کنند. در این کارگاه ها، ۱۱- ۱۲ ساعت کار روزانه یک امر عادی محسوب می شود. استثمار در کارگاه های قالی بافی، که کارفرمایان به معنای واقعی کلمه عرق زنان و کودکان را در می آورند، وحشت ناک است. مدت کار روزانه در این کارگاه ها از ۱۰ الی ۱۲ ساعت است. ضمناً خردسالان درست به اندازه ی بزرگ سالان کار می کنند و پذیرش یا اخراج کارگران مطلقاً وابسته به رأی مدیر کارگاه است. برای نمونه، تصویب نامه ی لازم الاجرای دولت در مورد مقررات کار در کارگاه های قالی بافی کرمان را در این جا نقل می کنیم. به این مناسبت تلگرام زیر از کرمان به تهران فرستاده شد:

« ۱۰ دسامبر سال ۱۹۲۱، ما صاحبان کارگاه های قالی بافی مطابق دستور دولت، در حضور والی، تعهد زیر را در کلیه ی کارخانه ها، کارگاه ها، اعم از این که به کارفرمایان ایرانی متعلق باشند یا اتباع خارجی، به عهده می گیریم:

- ۱- به هیچ عنوان به کار اجباری متوسل نشویم و شرایط استخدام را بر اساس توافق طرفین منعقد کنیم؛

- ۲- شرایط قرارداد پس از حاکم شرع بایستی توسط مدیر کارخانه در شعبه ی وزارت فواید عامه به ثبت به رسد و در آن جا نیز تصدیق شود؛

۳- کلیه ی کنترات هایی که تا ۱۳ مارس امسال (اول حمل) منعقد شده اند، ملغی محسوب می شوند و کنترات هایی که بعد از این تاریخ منعقد شده، بایستی مطابق بند دو این تعهدنامه برای ثبت به اداره ی فواید عامه تسلیم شوند؛

۴- مدت کار تمام کارگران و افرادی که در تولید شاغل هستند، و در تمام فصول سال، ۸ ساعت تعیین می شود؛

۵- پسر بچه هایی که در تولید کار می کنند، نباید سن شان کمتر از ۸ سال و دختر بچه ها کمتر از ۱۰ سال باشد؛

۶- کار باید در حد امکان خود موافق دستورات نمایندگان نظارت صحی این کار را انجام دهند؛

۷- از این تاریخ تا ۱۳ مارس سال آینده، که مسأله ی پاداش کارگران به طور نهایی مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت، میزان پاداش کارگران پنج درصد افزایش می یابد؛

۸- کارگاه ها باید روزهای جمعه و اعیاد تعطیل شوند؛

۹- کارگاه های زنان و مردان باید از هم جدا شوند؛

۱۰- جمعیت قالی باف موظف به اجرای مقررات مذکور بوده و در صورت تخلف به بازخواست جلب خواهد شد. تفتیش و نظارت بهداشت بر کارگاه ها به عهده ی دکتر احیاء الملک محول می شود.»

ما تعمداً متن کامل این سند را می آوریم، تا نشان دهیم که کارگر ایرانی و عائله ی او در چه شرایط دوزخی زندگی و کار می کنند. از قرارداد پیداست، که در کرمان نه تنها کار طویل المدت معمول است، نه تنها ابتدایی ترین شرایط بهداشتی و تعطیل در هفته وجود نداشت و نه تنها استثمار کودکان

شش ساله رواج داشت، بلکه کار اجباری هم مرسوم بود. یعنی کارگر در واقع به صورت سرف و برده ی ارباب خود در می آمد. اصولاً تنها خود واقعیت مداخله ی حکومت تهران در این کار نشان می دهد، که وضع کارگران کرمان تا چه حد شاق و توان فرسا بوده است. باید متذکر شد، که این استثمار و حشیانه تنها منحصر به کرمان نبوده است، بلکه در خراسان، آذربایجان، سلطان آباد (اراک)، فارس و همه جا و هر جا که قالی بافی دایر است، چنین استثماری وجود دارد. در کارگاه های قالی بافی به طور کلی زنان و کودکان کار می کنند. کار از طلوع آفتاب شروع می شود و تا غروب (۱۳- ۱۴ ساعت) ادامه دارد. کودکان خردسال از ۶ سال به بالا به کار پذیرفته می شوند. دختران از ۶ تا ۱۲ سال، از ۲ تا ۲۵ شاهی در روز مزد می گیرند. دختران از ۱۴ سال به بالا اگر به توانند مستقل کار کنند و دیگران را تعلیم دهند، از ۱۵ تا ۳۰ شاهی در روز مزد می گیرند. خوراک معمول آنان فقط نان و آب است. و اگر گرانی یا قحطی شروع شود، مرگ و میر در میان آنان با سرعت برق افزایش می یابد. چنین است نحوه ی تولید آن قالی های نفیس و زیبایی که در ایران و خارجه زینت بخش بهترین کاخ ها و سالن های بورژواهاست.

بدین سان، در مقابل اتحادیه های ایران، میدان فعالیت مساعدی برای نجات هزار کارگر زن و مرد از استثمار دهشت ناک و بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان گشوده می شود. البته اگر زمام حکومت در دست خود کارگران می بود، آسان تر می شد به این هدف نائل آمد. ولی منافع نه تنها کارگران، بلکه دهقانان نیز حکم می کند که قبل از هر چیز بقایای فنودالیزم ریشه کن شود و در شرایط موجود با استفاده از پشتیبانی عناصر بورژوا دموکرات کشور، می توان و باید این کار را انجام داد.

هم زمان با این کار ما باید سازمان های خود را مستحکم و نیرومند سازیم. زیرا در جریان پیکار تا آخرین دقیقه، تشکل و یک پارچه گی طبقه ی مبارز به خاطر آزادی خود به صورت عامل قاطعی برای تمام روند آتی انقلاب در می آید.

بخشی از نوشته ی آ. سلطان زاده درباره ی جوانب عمده ی زندگی ایران، مسکو ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۲۲، مندرج «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، انتشارات مزدک

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.eu>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵